دومین جشنواره بین المللی فیلم تهران



HOME SWEET HOME

کانون گرم خانواده



داوران دومین جشنواره جهانی فیلم تهران در

از ژوری هشت نفر درمصاحبه حاضرند : فرانك کاپرا ، حاتم بن میلد ، کلود ژژه ، کاواله روویچ ، توره‌نیلسون ، مرینال سن ، پیترو بیانکی ، جیمزمیسون.

سئوال : هیئت داوران درقضاوت خود درمورد فیلم‌های مسابقه به محتوی بیشتر توجه دارند ، یا به تکنیك ؟

جیمز میسون : فرم ثابت ومشخصی ندارد . تمام مسایل را باید درنظر گرفت وآنوقت نظر داد .

مرینال سن : آنچه اهمیت دارد ذهنیات هیئت داوران است . واین است که درنحوه‌ی قضاوت اهمیت دارد . جنبه‌هایی مختلفی ازنظر آنها مطرح است . به همین دلیل قابل پیش‌بینی نیست . یك کشور ممکن است امکانات تکنیکی نداشته باشد ولی فیلم‌هایش واجد محتوی باشند ویا به عکس .

به همین خاطر ژوری تصور می‌کند که درگیربازی بزرگی شده است . وهمه این‌ها مربوط می‌شود به ذهن اشخاص . بعنوان هیئت داوران نمی‌توانیم مدعی آن باشیم که جواب تمام سئوال‌ها را بدهیم . ما می‌توانیم درمقابل سئوال مطرح شده فقط یك سئوال دیگر مطرح کنیم .

کاواله روویچ : من فستیوال را دوست ندارم . عضو هیئت داوران بودن را هم دوست ندارم . ولی فکر می‌کنم که فستیوال به هنر سینما کمك می‌کند پس بنابراین من علاقه‌مند هستم که عضو هیئت داوران باشم . بیشتر به این خاطر است که این فستیوال یك فستیوال جوان نیز هست وازاین‌لحاظ می‌تواند اثرات‌تازه‌ای‌بوجود بیاورد.

کلود ژژه : سئوال بنظر من روشن نیست . مقصود ازیك فستیوال چیست ؟ مقصود این است که فیلم‌های‌جالب وقابل ارائه در دنیا به فستوال بیاید . واین امکان را بوجود بیاورد تا فیلم‌هایی که ممکن است نادیده‌گرفته شوند ولی واجد ارزش‌هایی باشند به دنیا شناسانده شوند.

سئوال : چون بیشتراعضای داوری فیلمساز هستند، وفیلمسازان هنگام دیدن فیلم همیشه وسوسه می‌شوندکه اگر من بودم این را این‌طور می‌ساختم . آیا هیئت داوران می‌توانند خودرا ازاین احساس رهایی دهند ؟

توره نیلسون : یك کارگردان نیز یك انسان است وتحت تأثیر اطرافش می‌باشد . دیگر اینکه کارگردان بودن او نباید سبب شودکه‌قضاوت آن بعنوان یك انسان ناقص شود .

سئوال : جواب کافی نیست .

توره نیلسون : ما به اینجا برای مسئولیت دیگری آمده‌ایم . به همین خاطر کارگردان‌بودن ما نباید تأثیری درقضاوت ما بگذارد . زیرا ما اینجا برای‌قضاوت‌آمده‌ایم نه کارگردانی .

مرینال سن : کاملاً موافقم . من نیز تکرار می‌کنم که ما هم مثل تمام آدم‌های دیگر تحت تأثیر اطرافمان هستیم . ولی قضاوت خودمان را می‌کنیم . عواطف ما ، عقاید ما وخیلی چیزهای دیگر درما با یکدیگر فرق دارد . پس ممکن است هنگام نظردادن درباره‌ی فیلم‌ها ما بحث ، مشاجره یا حتی دعوا بکنیم وبعد به نتیجه‌ای برسیم والبته‌که این برای خود ما نیز آموزنده است .

سئوال : آیا هیئت داوران قضاوت درباره‌ی فیلم را ضروری می‌داند ؟ کـــه اساساً جایزه‌ای داده شود ، جایزه‌ای گرفته شود . فکر می‌کنید این درکار هنری مؤثر است ؟

کلود ژژه : بنظرمن جواب این سئوال مثبت است . قضاوت‌کردن کاملاً با واقعیت مطابقت دارد . ولی باید توجه داشت که این قضاوت مطلق نیست . ممکن است همیشه برقرار نباشد ویا اشتباه باشد . ولی این قضاوت می‌تواند جهت‌ایجادکند . می‌تواند تحرکی‌بوجود بیاورد که البته این خیلی به نفع سینماست . بعضی فیلم‌ها فرصت نشان‌دادن خودرا نمی‌یابند . درحالیکه فستیوال می‌تواند برای اینگونه فیلم‌ها یك جهت سینمایی بوجود بیاورد . چند سال پیش درفستیوال کان فیلمی نمایش دادندکه جایزه گرفت وبعد موفقیت زیادی بدست آورد . ولی‌اگر فستیوال نبود این موفقیت هرگز بوجود نمی‌آمد .

سئوال : اغلب فیلم‌هـــای سینماگران جوان و آوان‌گارد فرصت نمی‌یابندکه به فستیوال‌های رسمی راه پیداکنند . آیا فکر نمی‌کنیدکه باید به این فیلم‌ها توجه بیشتری مبذول شود ؟



ریك مصاحبه مطبوعاتی

جیمز میسون : این مسئله طبعاً ارتباطی به ژوری نمی‌تواند داشته باشد . بلکه مربوط است به سازمان دهندگان فستیوال . من نمی‌دانم که آیا فیلم‌های جوان به این فستیوال آمده‌اند یانه .

توره نیلسون : به عنوان عاشقان سینما ما درکشور خودمان داریم این‌کار را انجام می‌دهیم . وکوشش می‌کنیم که فیلم‌های خوب حتماً معرفی شوند . ولی به عنوان یکی ازاعضای هیئت داوری دراینجا تنها قضاوت می‌کنیم وفیلم‌های خوب را برمی‌گزینیم .

سئوال : آیا فکر نمی‌کنید با درنظر گرفتن سن شما که تجربه‌های زیادی داشته‌اید تأثیر زیادی درقضاوتتان درفیلم‌های جوانان داشته باشد ؟

کاپرا : شما یك معیار بما بدهید تا شاید بتوانیم ازشما یاد بگیریم که چگونه قضاوت‌کنیم . مسئله‌ی جوان بودن یا پیربودن مطرح‌نیست ، بلکه فیلم مهم‌است. گاهی پیرها کار جوانان را قضاوت می‌کنند وگاهی جوانان کار پیرها را قضاوت می‌کنند. همه با یکدیگر رابطه دارند. آنها با یکدیگر دادوستد دارند و با یکدیگر زندگی می‌کنند. ولی آنچه مهم است اینست‌که در یك فستیوال ازما می‌خواهندکه چیزهایی راکه ازیك نوع نیستند با هم مقایسه‌کنیم این‌کار دشواری است مثل مقایسه‌ی پرتقال است با سیب . تمام مسایل فنی وهنری ، اقتصادی واجتماعی باید با یکدیگر مقایسه شوند . شاید بهتر این باشدکه درفستیوال اصلاً جایزه‌ای داده نشود . فیلم‌ها نمایش‌داده شوند ، هرکس‌اثری‌می‌گیرد وفیلم‌های خوب معرفی می‌شدند .

سئوال : فیلم‌هایی‌که درکشورهای‌جهان‌سوم ساخته می‌شوند اغلب فاقد یك تکنیك پیشرفته می‌باشند ، آیا بهتر نیست دراین‌گونه فستیوال‌ها به ارزش‌های محتوای فیلم بیشتر توجه شود تا تکنیك فیلم .

کاپرا : بنظر من محتوی ازتکنیك جدا نیست وجداکردن این‌دو کار درستی نیست. وعاقلانه بنظر نمی‌رسد . معذلك اگر می‌بینیدکه فیلم‌های جهان سوم را نمی‌توان با فیلم‌های دیگر مقایسه‌کرد ، طبق همان مثال‌پرتقال‌وسیب بهتراست فیلم‌های‌جهان سوم را باجهان سوم مقایسه‌کنید . ولی بنظر من یك‌کار هنری یك‌کار هنری است ، دیگر نمی‌توان فرقی بین آنها قائل شد .

توره نیلسون : تاریخ فرهنگ وتمدن جواب این سئوال را داده . اینجا درواقع مسئله‌ی حماقت یا هوشمند بودن مطرح است . اگر هیئت داوران احمق باشند جواب احمقانه خواهندداد واگرهوشمندباشند جواب هوشمندانه واین دیگر هیچ ارتباطی نمی‌تواند به این داشته باشدکه این تکنیك دارد وآن دیگری ندارد .

حاتم بن میلد : طرح مسئله به این صورت درست نیست‌که بگوئیم در جهان سوم تکنیسین خوب وجود ندارد وتمام‌کارگزاران سینما درشرق همانقدر می‌توانند خوب باشدکه آنهائیکه درغرب هستند ولی مسئله‌ای‌که مطرح است پول وسرمایه‌گذاری می‌باشد . که شرقی‌ها نمی‌توانند سرمایه‌گذاری‌های بزرگ بکنند به همین دلیل کارشان بیشتر جنبه‌های آماتوری دارد . آنهاکوشش وتلاش ومدت بیشتری صرف می‌کنند تا یك فیلم بسازند ولی سینما بهرحال باید بیان حال باشد ، حتی با وسایل کمتر . اگر جهان سومی‌ها ، دکورهای عظیم ندارند ، صد هزار اسب ندارند ، امکانات وسیع ندارند ، نباید گفت‌که سینمای بهتری ندارند .

سئوال : همیشه تصمیمات هیئت ژوری مورد اعتراض عده‌ای است . هیئت داوران ازقبل چه تصمیمی گرفته است‌که نظریاتش مورد اعتراض قرار نگیرد ؟

مرینال سن : هیئت‌داوران همچو تصمیمی‌نمی‌تواند بگیرد . وباید آماده باشدکه اورا انتقادکنند .

کاپرا : ما کلاه‌خود خودرا به سر می‌گذاریم و آماده‌ی دفاع می‌شویم .

سئوال : یك سیاست فستیوالی وجود داردکه مثلاً باید به هرکشوری‌که درمسابقه شرکت می‌کند یك جایزه داد ، داوران چه‌کاری می‌توانند انجام دهندکه ازاین گونه سیاستها جلوگیری شود ؟

کلود ژژه : من ازنظر خودم می‌گویم‌که هیچ پیشنهادی نشده دُرباره‌ی اینکه سیاستی خاص باید درکار باشد. تردیدی نیست‌که داوران بایدکوشش‌کنندکـه ارزش‌های تمام فیلم‌ها را بیرون بکشند . ولی این بدین معنی نیست‌کـه باید ملاحظه‌ای خاص درمورد جایزه دادن اعمال بشود . مثلاً اینکه جهان سوم تکنیك ندارد ، پس باید ارزش نهفته درفیلم‌های آنرا بیرون‌کشید علیرغم نداشتن تکنیك خوب ارزش‌ها هستندکه باید ارزیابی شوند ودرجای خودشان قرار بگیرند . مسلم است که جهان سوم امکانات ارائه‌ی فیلم‌های خودرا همچون غرب ندارد . پس ما نهایت مسئولیت را داریم‌که‌کوشش کنیم این فیلم‌ها بتوانند به دنیا ارائه شوند .

سئوال : منظور من ازسیاست فستیوال این بودکه مثلاً میکلوس یانچو یك روز می‌گفت‌کـه من دریك فستیوال داور بودم ویك فیلم استاد من برنده‌ی جایزه شد . وآنها به من حمله‌کردندکه چون فیلم مال استاد تو بود به او رأی دادی . من می‌گویم شما برای پرهیز ازاین‌گونه مسایل چکار می‌کنید ؟

توره نیلسون : این وحشتناك است . تصور این برای‌ما غیرممکن‌است . به هیچ ترتیب ما اجازه نمی‌دهیم که عوامل خارجی درقضاوت ما دخالت‌کند .

سئوال : ارزش‌های تجارتی چگونه درقضاوت شما مؤثر است ؟

کاپرا : مطرح نیست . شما چه دستور می‌دهید ، ما همان‌کار را می‌کنیم .

سئوال : سینمای تجارتی ؛ تبلیغاتی وتجریدی وشخصی به‌کلیت سینما زیان وارد کرده و در وضعیت فرهنگی‌کشورهایی‌که فیلم‌ها درآنجا نمایش داده می‌شود تأثیر بدی دارد . آیا ژوری معیارهای مشخصی نداردکه جلوی این‌گونه فیلم‌هاگرفته شود ؟

کاپرا : شما برای این حرف دلیلی هم دارید؟ بخصوص منظور شما ازسینمای شخصی وتجریدی معین نیست .

– مثل فیلم‌های هیچکاك .

(جیمز میسون می‌خندد وکاپرا بی‌توجه دستی به سر خود می‌کشد) .

توره نیلسون : محلی برای اینگونه بحث‌ها اینجا نیست . درباره‌ی عقاید شخصی نمی‌توان بحث‌کرد . اینجا بیشتر مسایل عمومی مطرح است . بهرحال من فکرمی‌کنم که دونوع فیلم دردنیا وجود داشته باشد : یکی فیلم‌های خوب ودیگری فیلم‌های بد .

زیر بامهای پاریس SOUS LES TOIS DE PARIS

۱۹۳۰ ــ محصول : FILMS SONORES TOBIS ــ دیالـوگ ، سناریو ، کارگردان : رنه‌کلر ــ دستیار کارگردان : ژرژ لاکونب ، مارسل کارنه ــ فیلمبردار : ژرژ پرینال ، ژرژ روله ــ دکور : لازار میرسون ــ رهبر ارکستر : آرمان برنار ــ آهنگهای اریژینال : رائول مورتتی ، R. Nazeles ــ لباس : رنه هوبر ــ بازیگران : آلبرپره ژان (آلبر) ، پولاایلری (پولا) ، گاستون مودو (فرد) ، ادمون گره‌ویل (لوئی) ، بیل بوکه (بیل) ، پل اولیویه ، جین پیرسن ــ زمان نمایش : ۹۲ دقیقه .



«مهم» صدای شنیدن کف زدن نیست ، اگر تماشاگر بتواند دستها را در حالی که کف میزنند ، ببیند ..... استفاده تصویر یك موضوع و صدائی که بوسیله آن تولید میشود – نه استفاده همزمان آنها – بهترین افه‌های فیلم ناطق را بوجود میآورد . ممکن‌است این نخستین قانون که از بی‌نظمی ودرهم برهمی یك تکنیك تازه پدید میآید ، یکی از قوانین تکنیکی فردا بشود .

لندن ــ رنه‌کلر ۱۹۲۹

در ۱۹۲۹ ، زمانی که رنه‌کلر سرگـرم نگارش سناریوی «ارزش زیبائی» بود (کـه بالاخره ، توسط «اگوستوجنینا» به چهارزبان تهیه شد) به لندن رفت تـا نخستین فیلمهای آمریکائی را ببیند . درتمام این مدت ، او به گونه‌ای ، پرشور و حرارت از دخول دیالوگ در فیلمها مخالفت کرده بود . وی معتقد بود مزیت وتفوق بزرگی که سینما بر ادبیات دارد، آزادیش از کلمات و تداعی کهنه معانی آنهاست وآزادی سینما برای بیان ونمایش احساس‌شعری، به گونه‌ای تصویری است . رنه‌کلر در ۱۹۲۷ مقاله‌ای نوشت که مورد استفاده فراوان قرار گرفت ودرخلال سطور مقاله مزبور ، درباره اینکه سینمای ناطق « یك هیولای وحشتناك ، یك مخلوق غیرطبیعی است که بخاطر آن ، سینما بصورت تئاتری ناچیز خواهد شد » قلمفرسائی کرد . اما او مخالف صدا (موزیك و افه‌ها) نبود و پس ازدیدن فیلم «ملودی برادوی» ، اعتراف کرد که کلمات نیز از امکانات درخور توجهی برخوردار است : در فیلم«زیر بامهای پاریس» ، اصولاً بـرای اجتناب ازتوضیحات طولانی بصری ، از حداقل دیالوگ بهره جست. دراین فیلم ودر دو یا سه فیلم بعدی ، نقش صدا و دیالوگ آنقدر جزئی و مختصر بود که بـه بازیگران فیلم خود اجازه داد تا اندازه‌ای ، متن گفتار خودرا بداهه‌سازی کنند .

داستان «زیر بامهای پاریس» ، گرچه تا اندازه‌ای ساده و جزئی بنظر میرسد ، ازجذابیتی فراوان ، چه ا زنظر فرم و چه از نظر محتوا برخوردار است . آوازخوان دوره‌گرد ، دوستش و دختری از اهالی رومانی که باهردوی آنها به نوبت ، لاس میزند ، تیپ‌هائی نیستند که در اکثر فیلمهای رنه‌کلر ظاهر میشوند ، بلکـه انسانهای واقعی ، نه خوب و نه بد هستند . در اثنائی‌که آوازخوان ، یك مرد وفادار اما نه چندان شجاع ، بخاطر سرقتی که مرتکب نشده درزندان بسر میبرد ، دوستش و دختر جوان ، بدون اینکه واقعاً نسبت به او خیانتی مرتکب بشوند ، نرد عشق میبازند ، ولی به هرحال در پایان ، این دوستی و صمیمیت است که غالب میشود . همه عناصری که اجزاء ساختمانی این فیلم را تشکیل میدهد ، سینمائی است و فیلم با یك آهنگ متن جالب که در خاطره باقی میماند اما هــرگز وقفه‌ای در پیشبرد داستان ایجاد نمیکند ، بلکه بخش خیلی مؤثری است ، آغاز میشود . در ، صحنه دعوا و مرافعه عشاق ، هنگامیکه چراغ اتاق خاموش میشود، این‌صدای آنهاست که بتنهایی ، داستان را بیان میکند و آنگاه ، هیجان یك‌کتك‌کاری نزدیك راه آهن، موقعی تشدید میشودکه صحنه ، برای مدت زمان کوتاهی ، ابتدا بوسیله بخار از نظرها پنهان میشود وسپس هرگونه صدائی درغریو رعدآسای یك قطار در حال عبور محو میشود ، و یك در شیشه‌ای ، سروصدای یك‌مجادله‌را برای‌شنیدن‌ سد میکند و حرکات بتنهائی معنای اصلی صحنه را به بیننده منتقل میکند .

اهمیت «زیر بامهای پاریس» را درتاریخ سینما ، بخاطر این تدابیر که در آن هنگام نوواریژینال بوده و ازآن ببعد ، بخشی اززبان فیلم شده است نمیتوان بیش ازاندازه ارزش ، ارزیابی‌کرد . در فرانسه این فیلم با اقبالی فوری روبرو نشد ، تنها پس ازاین‌که شرکت‌تهیه‌کننده فیلم، آنرا دربرلین بنحو با شکوه وپرسروصدائی بنمایش گذاشت و در آنجا باعث ایجاد شور و هیجانی بین منقدان و تماشاگران شد ، شهرت و معروفیتی بین‌المللی کسب کرد . در بین آن عده از منقدان فرانسوی کـه فیلم مزبور را بیدرنگ تحسین‌کردند ، هانری ژرژ کلوزو بود که بعداً بعنوان یك کارگردان ارزنده ، شهرتی بدست آورد ودرمقاله‌ای چنین‌نوشت : «فیلمهائی از این سنخ وطبقه ، بی‌تردید سینمای ناطق را از تنزل به سطح آثار تقلیدی صرف ملودرامی یا وودویل ، نجات خواهد داد .»

گفتگوئی

با

مونیکا ویتی

ستاره فیلم

«ترزا»ی دزد



«مونیکاویتی» بالاخره نتوانست به‌هنگام برگزاری دومین جشنواره جهانی فیلم تهران به ایران سفرکند ، و «کارلودی پالما» کارگردان فیلم «ترزا»ی دزد بدون « مونیکا » به‌سئوالات تماشاگران این فیلم پاسخ خواهد داد .

بین فیلمهای تازه «مونیکاویتی» ، **«ترزا»ی دزد** از «کارلودی پالما» (فیلمبردار سابق آثار میکل‌آنجلو آنتونیونی‌که باساختن فیلم «ترزا»ی دزد، به‌کارگردانی روی آورده) بهترین کارش است .

«مونیکاویتی» و **«کارلودی پالما»** بخت خود را بدون « آنتونیونی » برای اولین‌بار در یك جشنواره بزرگ جهانی ، با اثر مشترکشان می‌آزمایند .

گفتگوئی که در زیر می‌خوانید ، بازگوی نکات حساسی درباره «مونیکاویتی» است .

* * *

مونیکاویتی بعداز فیلمهای آنتونیونی بکلی تغییر شخصیت داده و در فیلمهای جدیدش دیگر از آن زن مرموز وجدی خبری نیست . به‌تازگی بازی درفیلمهای **«درام حسادت»** – **«دربطری بازکن»** و **«من یك زنم»** را به‌پایان برده‌است . این فیلمها از نوع فیلمهای خیلی معمولی امروزی هستند و مونیکا درآنها رل دختری شاد و زنده‌دل را برعهده دارد . شهرت ناگهانی **مونیکا** بافیلم «حادثه» آنتونیونی آغازشد و بعد از آن بصورت آکتریس دائمی‌فیلمهای وی درآمد ودرفیلمهای : **شب – کسوف و صحرای سرخ** بازی‌کرد . مونیکا با آنکه مدتی است دیگر با آنتونیونی همکاری ندارد ، بااینحال هنوز بشکلی حسرت‌بار درباره زمانی‌که با آنتونیونی همکاری مداوم داشت صحبت میکند :

«بازی در فیلمهای آنتونیونی برای من فرصت کمیابی‌بود . «حادثه» و «صحرای سرخ» بامن پیوستگی نزدیك داشتند . از وقتی‌که آنتونیونی دیگر با من کار نمیکند ، از مسائل گذشته هم سخن نمی‌گوید . حالا از مطالب مربوط به مردها ومشکلات مربوط بآنها حرف میزند. بازنها دیگرکاری ندارد. تمام دوران هنرپیشگی من یك درام روانی است . بیشتر برای زندگی کردن است‌که‌کار میکنم . برای مراقبت ازخودم . باین‌مطلب وقتی پی‌بردم که مطلع شدم در بعضی از کلینیکهای روانی برای معالجه بیماران آنها را وادار به‌بازی نقش میکنند . آدم وقتی حرفی دارد بزند ، یا چیزی دارد که نشان دهد ، باید خودش را خالی‌کند ، من یك‌نویسنده یا یك کارگردان نیستم . فقط یك بازیگر هستم . ولی اگر فرصت انتخاب بمن بدهند ، رلهائی را انتخاب میکنم‌که برای «زن» مفهومی داشته باشد.»

مونیکاویتی درفیلم تازه‌اش «من زنم» نقش‌دوازده زن مختلف را بازی میکند . ولی این فیلم درواقع نظر مردهارا درباره‌زنها‌نشان‌میدهد. مونیکادراین‌باره‌میگوید:

«لازم نیست مردها را بکشیم . باید مسئله را میان خودمـــان حل‌کنیم . برای اینکه مردها عوض شوند ، ابتدا باید زنها خودشان را عوض‌کنند . اگر مردهـــا معایبی دارند باین علت است که زنها هم بی‌نقص نیستند! زنها آموخته‌اند که در مقابل مردها ضعیف باشند و فکر می‌کنند از این طریق بیشتر درآنها نفوذ خواهند داشت. عمه‌ام میگفت هیچوقت نباید بمردها راست گفت . باید همیشه برای آنها مرموز باقی ماند . من با این فکر مخالفم . اینطوری مثل اینست که آدم دشمن مرد است . من مردها را دوست دارم!» .

مونیکاویتی در پاسخ اینکه با کدام کارگردان ترجیح میدهد کارکند ، بدون تردید میگوید :

«بونوئل ! او روشی سایر همه کارگردانها دارد . حتی احتیاجی ندارد با بازیگران بزرگ‌کارکند . برای او نحوه کار هم اهمیتی ندارد . چون ازهیچ ، شاهکار میسازد . با فلینی هم دوست هستم ولی هرگز فرصتی پیش نیامده تا در یکی از فیلمهای او بازی کنم . من مخلوق آنتونیونی هستم . درحالیکه آنتونیونی و فلینی خیلی با هم فرق دارند . یکی خیلی درونی کار میکند و دیگری از اثرات خارجی بهره میگیرد . من معرف فیلمهای آنتونیونی هستم . فلینی در فیلمهایش جائی برای من ندارد . مثل این میماند که آدم بخواهد از وسیله بیان شخص دیگری استفاده کند . من از نظر جسمی ، روانی و نحوه بازی درست همان چیزی هستم که آنتونیونی میخواهد . فلینی باید مرا کاملاً عوض کند . ازنظر جسمی و روانی» .

مونیکاویتی درپاسخ اینکه آیا فیلم تازه آنتونیونی «چین» را دیده است ، میگوید :

« البته . من همیشه اولین کسی هستم که بدیدن فیلمهای او میروم . آنتونیونی قبل از آنکه فیلمش را بکسی نشان دهد ، همیشه از من برای دیدن آنها دعوت میکند . در « قله زابریسکی » همکاری نزدیکی با او داشتم و حتی صدای یکی از بازیگران سیاه پوست را درآغاز فیلم دوبله کردم . شاید درآینده باز فرصتی پیش‌آید تا در فیلمی باهم کارکنیم . کسی چه میداند ؟ باید صبر کرد» .

فیلمهای روز

سینما سینه‌موند - ساعت ۱۱ - ۱۵ - ۱۸/۳۰ - ۲۱/۳۰
چشم‌انداز سینمای افریقا

امیتائی
EMITAI

کارگردان : عثمان ثمبن

واکنش‌هـای سنتی ، نقشی متفـاوت در فیلم « امیتای » (Emitai) ، آخرین‌ساختهٔ«عثمان ثمبن» بازی می‌کند . این «استاد نئور ئالیسم آفریقائی» در تماس بسیار نزدیك با مردم محلات ساده و فقیرنشین موطنش ، داکار - همواره نگرش‌های‌متقاعدکننده‌ای دربارهٔ زندگی و مسایل قهرمانان فیلم‌هایش عرضه کرده است ، در عین حال درمورد عیوب اجتماعی مثل فساد ، بهره‌کشی و بدرفتاری نسبت به افراد زیردست ، به بحث پرداخته است. اما فیلم "Emitai" **(دیولا ، خدای‌توفان)** ، هدف‌های کاملاً متفاوتی دارد . این فیلم ، پایداری روستائیان Casamance (ناحیه‌ای در جنوب سنگال) را علیه دستورات فرانسوی‌ها برای انتقال آذوقه خـودشان در خلال دومین جنگ جهانی نشان می‌دهد. کاملاً روشن است‌که عثمان ثمبن در صدد زدودن آثـار استعمار فـرانسوی از صفحات تاریخ آفریقاست وتلاش می‌کند تا غرور ملی آفریقائیان را نسبت به‌گذشتهٔ آفریقا برانگیزاند . عثمان ثمبن با چنین اندیشه‌ای ، مدتهاست که در فکرساختن فیلمی دربارهٔزندگی و مبارزات "Samory" رهبـر گینه‌ای است‌که درنخستین‌سال‌های بسط استعمارفرانسه درقارهٔ آفریقا، مشکلات عدیده‌ای برای مهاجمان فرانسوی ایجاد کرد .

آنچه در فیلم **«امیتای»** قابل ملاحظه است ، تصویرکردن‌زنانی است که با اطاعت کمتر و شجاعت بیشتر از مردان ، در برابر شداید زندگی می‌ایستند . در واقع ، اندیشهٔ ثمبن درمورد تجدید حیات آفریقا ، تا حدود بسیاری به زنان آفریقائی بستگـی خواهد داشت. بنابراین، نکتهٔ مهم فیلم «امیتای»، تصویرگری زنان است .





صحنه‌ای ازفیلم امیتائی
عثمان ثمبن

تالار رودکی (ساعت ۱۹)

فیلم بلند (مسابقه)

ترزای دزد

کارگردان : کارلو دی‌پالما
مدیرفیلمبرداری : داریودی پالما
آهنگساز متن : ریز اورتولانی
هنرپیشگان : مونیکاویتی
۳۵ میلیمتری - رنگی - ۱۱۰ دقیقه
سال تهیه : ۱۹۷۳

ترزا درخانواده فقیروخشن با پدر ومادروخواهران وبرادران خود زندگی میکند . او با خشونت خانواده خوگرفته است .

فیلم زندگی اورا ازطفولیت تا فرجام غم‌انگیزش در سالهائی‌که دیگر جوانی وشادابی خودرا درپشت سر نهاده است تعقیب می‌کند . این سالها شاهد ایتالیای بهم ریخته قبل‌ازفاشیسم ، دوره استقرار حکومت فاشیستی موسولینی ، جنگ ، شکست وایتالیای بعد شکست تا بامروز است .

طنزگرنده این فیلم بیشتر از این جهت حائز اهمیت است‌که درتمام این ادوار یك چیز همیشه با ترزا همراه است : فقر .

هنگامیکه ترزا برای آخرین‌بار اززندان آزاد میگردد ، با دیدار ازیك عاشق قدیمی وسعی مجدد درربودن‌کیف مسافران دراتوبوس وپرسه‌زدن درمحلات آشنا وناحیه‌ی زادگاهش ، گویی‌دوباره به‌کودکی خود باز می‌گردد .

سینما دیاموند (ساعت ۱۱ و ۱۸/۳۰)

فیلم بلند (اطلاعات)

کانون‌گرم خانواده

کارگردان : بنویی لامی
مدیرفیلمبرداری : میشل باودور
آهنگساز متن : والتر هینن
هنرپیشگان : کلود ژاد ، ژاك پرن ، مارسل ژوز ، الیز مرتن ، آن پیترسن ،
۳۵ میلیمتری - رنگی - ۹۵ دقیقه - سال تهیه ۱۹۷۳

ماجرا دراین خانه باصطلاح راحت وایده‌آل برای سالخوردگان روزی‌آغاز میشودکه یك پانسیونر دیگر فلور - که نسبت به دیگران زنده دلتر است - از راه میرسد . فلور به این مرکز اقامت سالخوردگان بچشم یك هتل مینگرد . ژول یك پیرمرد عامی و دلزنده ازدیدن فلور -زنی با خصوصیات ممتاز - بوجد میآید وفاجعه آغاز میشود .

«مدیریت» وارد معرکه میشود . «کلر» پرستار رابطه‌ی عاشقانه خودرا دارد . «ژاك» مددکار اجتماعی ، کـه پیرمردها و پیرزنان مقیم خانه بسیار اورا دوست دارند اخراج میشود . حالا شورای شهرکه بهانه‌ای پیدا کرده است «تصمیمات شدیدی» اتخاذ میکند. رئیس پلیس‌بکمك مدیره مرکزمیشتابد . حمایت او و حمایتی عاشقانه هم هست. ژول «عامل فساد» بایداخراج شود. (کوبا) وپیرمرد- پیرزنهای دیگر این رویه وتصمیم را نمی‌پذیرند . اما ژول کجاست ، در این حیص‌وبیص او باتفاق دوسالخورده دیگر فرارکرده‌است، ولی این‌مسافرت تفریحی بزودی پایان میگیرد وآنها را به مرکز برمیگردانند .

دربازگشت تصمیم انتقامجویانه‌ای برایش‌گرفته‌اند . خیال دارند باو وصله دیوانگی‌بزنند و روانه تیمارستانش‌کنند. اما دوستان سالخورده‌که قهرمان خودرا دربند می‌بینند بپا میخیزند وشورش‌آغاز میشود . شورشی‌که پای پلیس و ژاندارم و مأموران آتش‌نشانی و اهالی شهر و روزنامه‌نگار وگزارش‌کنندگان رادیو و تلویزیون را بمیان میکشد و . . . . .



تالار رودکی (ساعت ١٦)

فیلم بلند (مسابقه)

سربلند (سرفراز)

کارگردان : فیل کارلسون
مدیرفیلمبرداری : جك ا مارتا
آهنگساز متن : والتر شارف
هنرپیشگان : جودان بیکر ، الیزابت هارتمن ، رزماری مورفی
۳۵ میلیمتری - رنگی - ۱۲۵ دقیقه
سال تهیه : ۱۹۷۳

شرایط وخصوصیات شهرهای کوچك بسرعت دستخوش دگرگونی است . اینست که وقتی جوان ساده دل و ورزشکار حرفه‌ای تصمیم می‌گیرد کــه دست از مسابقات و زندگی سخت درکاروان و خانه بدوشی بشوید ودرشهر زادگاه خود درکنار پدر و مادرش مانده و زندگی تازه‌ای را با زن و فرزندان خود آغاز کند ، درمی‌یابدکه‌گوئی به شهربیگانه‌ای قدم گذارده است . درحقیقت والدین او با پرهیز ازمحیط تازه‌ی شهر خودرا از معرکه دور نگهداشته‌اند . بیرون شهر قمارخانه وکافه‌ای آنچنانی ایجاد شده است . همه‌ی ابزار واسباب شهر با هم جمع‌اند . کلانتر ، قاضی ، قمارخانه‌دار، کافه‌دار ، تولیدکننده و توزیع‌کننده ویسکی مسموم وتقلبی . او دراولین روز بازگشت به تشویق یکی ازدوستان دوران کودکیش سر ازباصطلاح کافه - کازینوی شهــر درمیآورد و همان روز بعلت جلوگیری ازتقلب مسئولان قمارکازینو نزاعی برپا می‌شود . او همه چیــز را درمی‌یابد مجری قانون حاضر به دفاع ازاو نیست. قانون‌نیزدرمقابل متجاوزان وخلاف‌کاران صراحت وگزندگی‌کافی ندارد . این‌طور بنظر می‌رسدکه دو راه بیشتر درپیش‌پا نیست . راه اول پیشنهاد همسر وحشتزده اوست‌که هرچه زودتر ازآن منطقه دور شوند . و راه دیگر تسلیم درمقابل شرایط موجود همچنان‌که اکثر همشهریانش هستند . او هیچکدام ازاین دو راه را نمی‌تواند بپذیرد . او برمیخیزد وجنگ بزرگ آغاز میگردد . او تا جرأت بخشیدن وبیدار ساختن همشهریانش راه دراز وغم‌انگیزی در پیش دارد .

سینما دیاموند (ساعت ۱۱ و ۱۸/۳۰)

فیلم کوتاه (اطلاعات)

چشم درون

کارگردان : ساتیا - جیت ری
مدیرفیلمبرداری : سومندو روی
آهنگساز متن : س . ری
۳۵ میلیمتری رنگی ۲۲ دقیقه
سال تهیه : ۱۹۷۳

درتجلیل ازیك هنرمند بزرگ ، بینودبهاری موکرجی اهل سانتینی‌کتان. هنر وزندگی بینود بهاری همانند ندارد، چراکه ازهنگام تولد یك چشمش نابینا بوده ودر ۱۹۵۳ چشم دیگرش را نیز ازدست داد با اینحال به هنرش لطمه‌ای نخورد . او نقاشی را با هدایت چشم درون خود ادامه داد .





سینما دیاموند (ساعت ۱۵ و ۲۱/۳۰)

فیلم کوتاه (اطلاعات)

جریان زیرین

کارگردان : رابین لمان
مدیرفیلمبرداری : ر لمان
آهنگساز متن : مایکل فانو
۳۵ میلیمتری - رنگی - ۱۱ دقیقه
سال تهیه : ۱۹۷۳

دراین فیلم عجایب زیر دریاها و زندگی حیوانات دریائی‌مطرح شده‌است.

سینما دیاموند (ساعت ۱۵ و ۲۱/۳۰)

فیلم بلند (اطلاعات)

جیمی هندریکس

کارگردانان : جو بوید ، جان هید ، گری‌وایس
مستند
۳۵ میلیمتری - رنگی - ۹۰ دقیقه سال تهیه : ۱۹۷۲

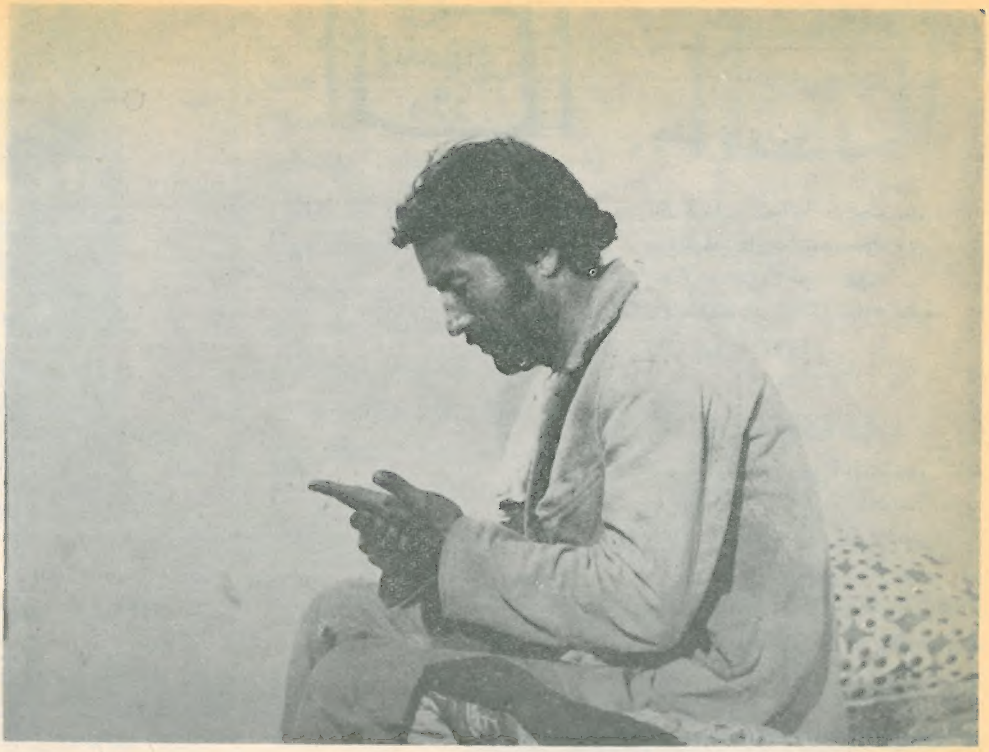
این فیلم گزارشی درباره زندگی جیمی هندریکس آوازخوان وموسیقیدان نسل معاصر آمریکا است .



گفتگوئی با «سهراب شهید ثالث» کارگردان فیلم

یك اتفاق ساده

گفت‌وگو از : رضا سهرابی



«۳»

● شروع فیلم با پلانی‌است که پسربچه ، از یك معبر باریك ، از روی یك سکو به سمت نماهای راه‌آهن وجرثقیل‌ها می‌رود که بعد توسط «سوزن‌بان» رانده می‌شود . بعد از چند دقیقه نمایی دارید که به‌وضوح این پسربچه از راه‌آهن دور می‌شود و به‌خانه‌هایی‌که یك محیط روستایی را مجسم می‌کنند، نزدیك می‌شود. دراین‌اختلاف وتفاوت واضح بین این دومحیط تعمدی داشتید ؟

شهید ثالث : در محلی که ما فیلم را فیلمبرداری کردیم ، شهر به دوناحیه تقسیم شده وآنجا که شما با دیدن خانه‌ها احساس می‌کنید که در یك محیط روستایی هستید ، درحقیقت ناحیه‌ی پایین شهر است که تعداد زیادی خانه‌ی چوبی به همان شکل‌که درفیلم دیده‌اید ساخته‌اند و مردم بخصوص ترکمن‌ها دراین خانه‌ها زندگی می‌کنند . بنابراین خود به‌خود این تفاوت بین دومحیط محسوس‌است واگرما تعمدی‌هم نداشتیم باز این اختلاف به‌چشم می‌خورد.

● در یك صحنه این پسربچه یك سئوال مربوط به‌تاریخ را پاسخ نمی‌دهد. آیا این‌مورد – گرچه ریشه‌ی تصویری ندارد ـ نشان دهنده‌ی آگاهی و میل او به‌دانستن واقعیت‌های زندگی خودش‌نیست؟ او آنقدر مسأله دارد که به‌گذشته‌های تاریخی بی‌اعتناست .

شهید ثالث : البته تاریخ مملکت ما برای فرد فرد ما مایه افتخار است . ولی پسربچه فیلم فرصت وحوصله‌اش را ندارد . خیلی ساده است ، وقتش را ندارد

● آدم‌های‌فیلم – پسربچه وپدرومادرش– آدم‌هایی‌هستند که‌فقط به‌فکر گذران زندگی‌هستند و به تمام آنچه به سرشان می‌آید و به زندگی خسته‌کننده‌شان تن در می‌دهند . در حالی که هرلحظه از زندگی آنها می‌تواند انگیزه‌ی یك جنبش باشد . . . روحیه‌ی این آدم‌ها را چطور تشریح می‌کنید ؟

شهید ثالث : این بر می‌گردد به روحیه‌ی خود من که آدم‌هایم را اینطور انتخاب کرده‌ام. حداکثر تغییری که قرار است در زندگی این آدم‌ها اتفاق بیفتد ، اتفاق افتاده ، چیز دیگری نیست که به‌آن اضافه‌کنم . بعضی‌ها به تقدیرشان تن می‌دهند ، گرچه درمجموع این آدم‌ها تسلیم شده‌اند ولی لحن فیلم من به‌گمان خودم اینطور نیست که همه اتفاقات را تحمل‌کند ، این آدم‌ها می‌دانند که چه برسرشان آمده وهمین کافیست . فعلاً کافیست .

● یکی‌از قسمت‌های زیبای فیلم ، قسمتی است که پسربچه نامه‌ای را می‌خواند . نامه‌ای‌که برخلاف‌خود فیلم پرخبراست وحاوی‌واقعیت‌های زندگی‌است بطور فشرده .

شهید ثالث : آنچه که دراین نامه خوانده می‌شود ، حادثه نیست ، اتفاقاتی معمولی است ، یعنی یك‌نفر هست که با سماجت زیاد وقتی‌که نامه را دیکته کرده‌اند مرتباً سلام رسانده مثل اینکه ترسیده‌که یکبار سلام رساندن کافی نباشد. یکنفرعروسی‌کرده . یك‌نفر تصدیق شش ابتدایی گرفته . دو نفر از پیری زیاد مرده‌اند . حتی خبرهای نامه‌هم اتفاقات روزمره را نشان می‌دهد ولی در عین‌حال نامه ، توجه آدم‌های کافه را جلب کرده ، چون به هرحال برای لحظه‌ای در زندگی خبر جدیدی می‌شنوند . ولی فقط برای لحظه ونه بیشتر .

● فرم کار شما طوری است که از رفتار آدم‌ها وحرکات‌آنها به‌ذهن وافکارشان می‌رسید. بدون اینکه متوسل به‌نمایش ذهنیات بشوید .

شهید ثالث : فکر می‌کنم که در اینجا با هم کاملاً توافق داریم . بعدازسکانس اتاق مدیر مدرسه وقتی که مدیر به بچه اجازه می‌دهد که به‌کلاسش برگردد ، یك راهرو دراز را می‌بینیم که بچه باید تا انتهای آن برود وبه‌کلاس برسد . این صحنه به خاطر آن نیست ، من از شکل و قیافه‌ی راهرو خوشم آمده ، بلکه باتوجه به‌آنچه که در اتاق مدیر گذشته ، خواسته‌ام که تماشاچی به‌آن اتفاق فکرکند . درحالی‌که ظاهراً چیز مهمی نیست . اگر به مدیر گفته‌ام دو دقیقه تمام عینکش را پاك‌کند فقط به‌خاطر اینست‌که او این دو نفر را برای آن لحظه فراموش می‌کند یا به‌آنها اهمیتی نمی‌دهد .

● فیلمسازی به شیوه‌ی « سینما وریته » یا«سینما حقیقت» قواعد خاصی دارد . بخصوص ازنظر صحنه‌پردازی وفیلمبرداری . . . درحالی که در «یك اتفاق ساده» این قواعد بطورکامل مراعات نمی‌شوند .

شهید ثالث : درواقع من راهی را انتخاب کرده‌ام که دیگران بارها و به‌کرات آزمایش کرده‌اند ، در نتیجه برای این فیلم و برای بیان مصمون آن چنین قالبی بنظرم مناسب رسید . اگربنظرشما بایستی‌ازقواعد خاص«سینماحقیقت» استفاده می‌کردم و موفق نبوده‌ام ، فقط به‌خاطر اینست که همین تکنیکی را که ملاحظه می‌کنید ترجیح می‌دهم .

برنامه‌های فوق‌العاده تالار رودکی

همانطور که قبلاً اشاره کرده بودیم، گردانندگان دومین جشنواره جهانی فیلم تهران در نظر داشتند که فیلم‌های فوق برنامه‌ای که به جشنواره می‌رسد و از جنبه‌هایی دیدنی برخوردار است و بعلاوه هنرمندان آن در تهران حضور دارند، در یك سئانس فوق‌العاده نمایش داده شود. وحالا این برنامه قطعی‌شده. و قرار است تعدادی فیلم به‌شرح زیر روزها ساعت ۱۱ صبح در **تالار رودکی** نمایش داده شود.

جمعه ۹ آذر: **به‌خاطر عشق بشر** محصول شوروی درحضور گراسیموف.

شنبه ۱۰ آذر: **«فیلم‌هایی که مارا ساختند»** به‌مناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیس کمپانی برادران وارنر محصول آمریکا.

یکشنبه ۱۱ آذر: **پائیز** محصول فرانسه بکارگردانی «ژرارگورن».

دوشنبه ۱۲ آذر: **بیلی دوکلاهه** محصول آمریکا به‌کارگردانی «نورمن جیوسن» ـ در حضور «گریگوری پك».

سه‌شنبه ۱۳ آذر: **تنگسیر** محصول ایران ـ به‌کارگردانی امیر نادری.

چهارشنبه ۱۴ آذر: **آرزوهای تابستان و رؤیاهای زمستان** محصول آمریکا ـ به‌کارگردانی گیلبرت کیتس.

پنجشنبه ۱۵ آذر: **یك روز سرشار** به کارگردانی ژان‌لویی ترن‌تینیان محصول فرانسه درحضور «ژان‌لوئی ترن‌تینیان».

هم‌چنین «تالار رودکی» روز پنجشنبه ۱۵ آذرماه ساعت ۱۹ نمایش فیلم «کاموراسکا» را تکرار خواهدکرد.

مصاحبه‌های مطبوعاتی

پنجشنبه: ساعت ۲½ بعدازظهر ـ هنرمندان فیلم **ساندر** «پل‌وینفیلد ـ سیسیلی تیسون» ـ تالار رودکی.

جمعه: ساعت ۲½ بعدازظهر ـ کارگردان فیلم **ترزای دزد** «کارلودی‌پالما» وآکتریس‌فیلم «مونیکاویتی» ـ تالار رودکی.

جمعه: ساعت ۶ بعدازظهر ـ کارگردان فیلم **کانون گرم خانواده** «بنوآلامی» وآکتریس فیلم «کلود ژاد» ـ تالار رودکی.

شنبه: ۱۰ آذر ـ ساعت ۱۱½ «جری ـ شاتزبرگ» کارگردان فیلم «مترسك» ـ آریا شرایتون.

ورق بزنید

برنامه‌های امروز

تالار رودکی (مسابقه)

ساعت: ۱۶

سربلند

(بلند ـ آمریکا)

ساعت: ۱۹

۱۹۷۲

(کوتاه ـ جمهوری فدرال آلمان)

ترزای دزد

(بلند ـ ایتالیا)

سینما شهرفرنگ (تکرار مسابقه)

ساعت: ۱۱ و ۱۸/۳۰

ساندر

(بلند ـ آمریکا)

ساعت: ۱۵ و ۲۱/۳۰

یك اتفاق ساده

(بلند ـ ایران)

سینما دیاموند (اطلاعات)

ساعت: ۱۱ و ۱۸/۳۰

چشم درون

(کوتاه ـ هندوستان)

کانون گرم خانواده

(بلند ـ بلژیك)

ساعت: ۱۵ و ۲۱/۳۰

جریان زیرین

(کوتاه ـ انگلستان)

جیمی هندریکس

(بلند ـ آمریکا)

سینما شهرقصه (مرور برآثار رنه کلر)

ساعت: ۱۱ ـ ۱۵ ـ ۱۸/۳۰ ـ ۲۱/۳۰

زیر بام‌های پاریس

سینما ونك (مرور برآثار فرانك کاپرا)

ساعت: ۱۱ ـ ۱۵ ـ ۱۸/۳۰ ـ ۲۱/۳۰

نمی‌توانی با خودت ببری

سینما سینه‌موند (چشم‌انداز سینمای افریقا)

ساعت: ۱۱ ـ ۱۵ ـ ۱۸/۳۰ ـ ۲۱/۳۰

امیتائی (سنگال)

G. D. FILM COMPANY

95 Acadimias Street,
Athens, Greece

G.D. Films Company has pleasure in announcing its participation in the Tehran International Film Festival, with 10 Eastman Color English-version films of excellent quality that will be shown during the Festival in the Film Market. The General Manager of the Company, Mr. Gregory Dimitropoulos, is attending the Festival and is interested in meeting prospective purchasers of these films. He is also interested:

— in examining the possibilities of co-production with Iranian producers or other interested parties,
— in buying Iranian films for the Greek market, and
— in establishing film production in Tehran in association with Iranian companies or other interested parties.

Please contact Mr. Gregory Dimitropoulos at the Arya Sheraton, Room 710.

شرکت فیلمسازی «جی . دی»

شماره ۹۵ ، خیابان آکادمی
آتن ، یونان .

کمپانی فیلمسازی «جی . دی» افتخار می‌کندکه شرکت خودرا دردومین جشنواره جهانی فیلم تهران با تعداد ده فیلم بزبان انگلیسی (رنگی) اعلام کند .

این فیلمها طی دوره جشنواره در قسمت بازار فیلم به نمایش درخواهدآمد. مدیرعامل کمپانی «گریگوری دیمترو - پولوس» علاقمند است که با خریداران احتمالی این فیلمها آشنائی حاصل کند . او همچنین علاقمند است که در موارد زیر بررسی‌های لازم بعمل بیاورد :

۱ ــ بررسی امکانات تولید مشترك بافیلمسازان‌ایرانی یا فیلمسازان‌کشورهای دیگر .

۲ ــ خرید فیلم‌های ایرانی برای بازار یونان .

۳ ــ تهیه فیلم درایران باهمکاری فیلمسازان ایرانی .

لطفاً با آقای دیمتروپولوس درهتل آریاشراتون اطاق ۷۱۰ تماس بگیرید .

نشریه « سینما ۵۲ » برای
دومین جشنواره جهانی فیلم تهران

زیرنظر : **بهرام ری‌پور**
دبیرشورای نویسندگان : **جمال امید**
مدیر امور فنی : **درخشنده زعیمی**
تنظیم مطالب انگلیسی : **راجرکوپر**
طراحی صفحات : **مرتضی ممیز**

CINEMA 52

The bulletin of the Second Tehran International Film Festival
Editor: **B. Reypour** and **Jamal Omid**
Design: **M. Momayez**
English Section: **R. Cooper**

تغییرات دربرنامه نمایش آثار «فرانك کاپرا»

در تاریخ نمایش فیلم‌های فرانك‌کاپرا در سینما ونك تغییراتی داده شده است . برنامه جدید تا تاریخ یکشنبه ۱۱ آذرماه بترتیب زیر خواهد بود :

پنجشنبه ۸ آذر : **نمی‌توانی با خودت ببری**
جمعه ۹ آذر : **آقای‌اسمیت‌به‌واشنگتن‌می‌رود**
شنبه ۱۰ آذر : **با جان دو آشنا شوید**
یکشنبه ۱۱ آذر : **آرسنیك وتورکهنه**

روز سه‌شنبه ۶ آذر وچهارشنبه ۷ آذر هم فیلم‌های «**آقای دیدز به شهر می‌رود**» و «**یکشب اتفاق افتاد**» به نمایش گذارده شد . برنامه نمایش فیلم‌های «کاپرا» در روزهای ۱۲ تا ۱۵ آذر بعداً باطلاع خواهد رسید .



FRANK CAPRA RETRO CHANGES

★ For technical reasons the Frank Capra Retrospective Programme has been rescheduled. The new schedule from today to Sunday is as follows:

Thu. 29 Nov.
«You Can't Take It With You»

Fri. 30 Nov.
«Mr. Smith Goes to Washington»

Sat. 1 Dec.
«Meet John Doe»

Sun 2 Dec.
«Arsenic and Old Lace»

Times (11 a.m., 3 p.m., 6.30 p.m. and 9.30 p.m.) and location (Vanak Cinema) remain unchanged.

Yesterday «Mr. Deeds Goes to Town» was shown, in place of «American Madness».

The schedule for the last four days of the Festival will be announced shortly in the Bulletin.



FILM MARKET

THURSDAY, NOVEMBER 29TH

10.00 a.m.

Love on a Horse (Greece)	Hall No. 1
Back Stairs (Egypt)	Hall No. 2
Hell Plus Me (Iran)	Hall No. 3

2.00 p.m.

Light of my Shoes (Argentina)	Hall No. 1
The Master and Marguerite (Italy)	Hall No. 2
A Nose and Three Eyes (Egypt)	Hall No. 3

4.00 p.m.

Sir, You are a Widow (Czechoslovakia)	Hall No. 1
Leily and Madjnoon (Iran)	Hall No. 2
Death in Doses (Greece)	Hall No. 3

FRIDAY, NOVEMBER 30TH

10.00 a.m.

Lady Ice (U.S.A.)	Hall No. 1
Image of Love (Greece)	Hall No. 2
The Morning of the Fourth Day (Iran)	Hall No. 3

2.00 p.m.

Eight Short Films (Holland)	Hall No. 1
A Girl Called Marmar (Egypt)	Hall No. 2
Reed Insurgent Mexico (Mexico)	Hall No. 1

4.00 p.m.

Much Ado About Nothing (U.S.S.R.)	Hall No. 1
Au Pays de Tararani (Tunisia)	Hall No. 2
Ulayam Suttram Valiban (India)	Hall No. 3

بازار فیلم

پنج‌شنبه ۸ آذر

ساعت ۱۰ صبح :

عشق روی اسب	از (یونان)	سالن شماره ۱
پلکان فرعی	از (مصر)	سالن شماره ۲
جهنم باضافه من	از (ایران)	سالن شماره ۳

ساعت ۲ بعدازظهر :

نور کفش‌های من	از (آرژانتین)	سالن شماره ۱
ارباب و مارگریت	از (ایتالیا)	سالن شماره ۲
یك دماغ و سه چشم	از (مصر)	سالن شماره ۳

ساعت ٤ بعدازظهر :

آقا شما بیوه هستید	از (چکسلواکی)	سالن شماره ۱
لیلی و مجنون	از (ایران)	سالن شماره ۲
مرگ تدریجی	از (یونان)	سالن شماره ۳

جمعه ۹ آذر

ساعت ۱۰ صبح :

لیدی آیس	از (امریکا)	سالن شماره ۱
تصویر عشق	از (یونان)	سالن شماره ۲
صبح روز چهارم	از (ایران)	سالن شماره ۳

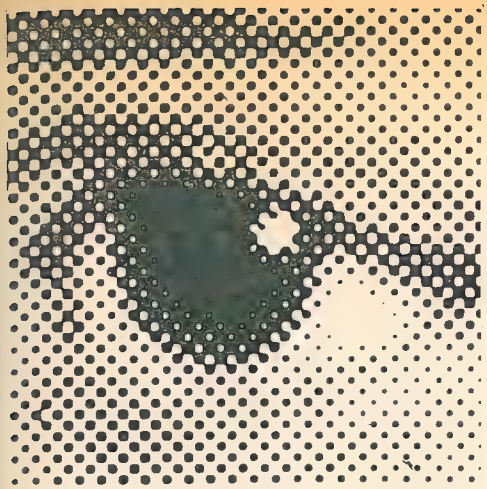
ساعت ۲ بعدازظهر :

۸ فیلم کوتاه	از (هلند)	سالن شماره ۱
دختری بنام مرمر	از (مصر)	سالن شماره ۲
ریدعصیانگرمکزیك	از (مکزیك)	سالن شماره ۳

ساعت ٤ بعدازظهر :

هیاهوی بسیار برای هیچ	از (شوروی)	سالن شماره ۱
درکشور تارارانی	از (تونس)	سالن شماره ۴
اولاگام سوترام والیبان	از (هند)	سالن شماره ۳

برای اطلاعات بیشتر درباره فیلمها به‌کاتالوگ مراجعه شود .



SPECIAL PROGRAMMES

During the Festival seven films will receive special screenings outside the official Programme. They will be shown at 11 a.m. in **Rudaki Hall,** where tickets will be on sale.

Fri., 30 Nov.
For the Love of Man' (U.S.S.R.) in the presence of Sergei Gerasimov, the director.

Sat., 1 Dec.
'The Films That Made Us,' celebrating the 50th Anniversary of Warner Bros.

Sun., 2 Dec.
'Lo Païs' (France), directed by Gérard Guérin

Mon., 3 Dec.
'Billy Two Hats' (U.S.A.), in the presence of Gregory Peck, the film's leading actor.

Tue., 4 Dec.
'Tangsir' (Iran)

Wed., 5 Dec.
'Summer Wishes, Winter Dreams' (U.S.A.), directed by Gilbert Cates

Thu., 6 Dec.
'Une Journée Bien Remplie,' (France), in the presence of Jean-Louis Trintignant, the film's director.

TODAY'S PROGRAMMES

THURSDAY, 29 Nov.

Note: In two-film programmes, the short film is listed first.

RUDAKI HALL (Competition)

4 p.m.	— **'Walking Tall'** (U.S.A.)
7 p.m.	— **'1972'** (F.R.G.) and **'Teresa the Thief'** (Italy)

SHAHR-E FARANG CINEMA (Competition Repeat)

11 a.m. and 6:30 p.m.	**'Bannerfilm'** (Canada) and **'Sounder'** (U.S.A.)
3 p.m. and 9:30 p.m.	**'Piet Mondriaan'** (Netherlands) and **'A Simple Event'** (Iran)

DIAMOND CINEMA (Information)

11 a.m. and 6:30 p.m.	**'The Inner Eye'** (India) and **'Home Sweet Home'** (Belgium)
3 p.m. and 9:30 p.m.	**'Undercurrents'** (U.K.) and **'Jimi Hendrix'** (U.S.A.)

SHAHR-E QESSEH CINEMA (René Clair Retrospective)

11 a.m. 3 p.m.	**'Sous les Toits de Paris'**

VANAK CINEMA (Frank Capra Retrospective)

11 a.m., 3 p.m., 6:30 p.m. 9:30 p.m.	**'You Can't Take It with You'**

CINEMONDE CINEMA (Panorama of African Cinema)

11 a.m., 3 p.m., 6:30 p.m. 9:30 p.m.	**'Emitai'** (Senegal)

A SPECIAL WORD TO FESTIVAL GUESTS

So, you find yourself in a feverishly modern metropolis in the heart of an ancient land. As the sports cars whizz by and the buses belch past, you may feel a bit big-city-bedeviled, especially when the street you step into isn't Piccadilly or the Rue de l'Opera, Fifth Ave. or the Via Veneto, and the language you're hearing, although Indo-European, is as different from the old-familiar French or English as Russian or Greek.

Yet, however Greek to you the street phrases may be, the staff of the Festival are conveniently cosmopolitan and are graciously, in the old Persian style, at your service. They have provided a pair of Information Desks at the two resident hotels of the Festival, as well as Hospitality Committee and Protocol Offices at the Arya Sheraton and an abundance of hostesses to guide you.

Additional services are available through the Transportation Desks, whose numbers are listed in your guidebook to the Festival. If you appear in the place your desk indicates promptly one half-hour before either a Festival film presentation or a Festival-sponsored reception, you will be guaranteed a ride with a smile to that particular event. Other services may be provided, only if they dovetail with the needs of the Festival.

Tehran is naturally a different cup of tea from Cannes or Acapulco, but the difference may well be to your taste. Where you might miss that inter-session plunge in the Mediterranean or the bikini-studded business conference, you might discover the attractions of the bazaar (the largest of its kind in the world) or the carpet merchants and antique shops fraught with Persiana, all centered in Ferdowsi Avenue, or you might be tempted to the historical splendours of the Crown Jewels or the multi-faceted, mirrored halls of the Golestan Palace or the towering minarets of the Sepahsalar Mosque.

You should already have received a batch of the basic information, including the all-important provision for your daily fare, in the form of coupons valid for your hotel's restaurant, along with that of the Royal Tehran Hilton, and two of the city's more distinguished establishments of international cuisine, the Xanadu and the Czardash.

As you raced past Tehran's modern gateway, Shahyad Monument, you may have found yourself wondering at the curious blossoming of seeming West-within-East you may have observed about you, where dashing young men and graceful ladies dress in the latest chic, yet preserve the courtly manners of a couple of millennia and then some!

Whatever your conclusions about all this, you are bound to discover that the social climate is a few degrees warmer than the cool blue of the Côte — even without the Mistral!

The smiles and bows will be framed in formal attire on an occasion or two during this session of cinema and socializing, notably at the opening ceremony in the presence of Her Imperial Majesty, Empress Farah Pahlavi, and the closing festivities hosted by the organizers of the Festival.

Tehran will be like any other film festival in at least one respect: there will be more people vying for entrance to film showings and social events than have been invited or duly authorized. You are kindly urged to display your color-coded identity cards, caparisoned with neither nasty stickum nor fabric-spoiling pins, for all occasions. And, of course, both your hosts and your fellow guests would like to know who you are — after all, you might look different from your pictures!

The Persians have a special word for what is a worldwide phenomenon, yet which no other civilization has gotten around to dubbing — 'sholoogh'. It means 'crowd,' 'congestion,' 'confusion,' 'noise' and 'distress,' all wrapped up in one. It could mean the traffic in Paris or Rome (or Tehran) or the psycho-physical disturbances of a film festival.

If you have a special problem, please refer it gently to your hostess. She might be able to relieve the 'sholoogh' around you or in your programme. She'll certainly try her best!

If your problem is general, or internal — a state of mind in 'sholoogh' —, we counsel something in the spirit of our ancient sages: Gaze upwards into the ageless peaks that rise above, both materially and symbolically, the 'sholoogh' below. Now tipped with the first seasonal snows, and capped by the zenith of Mt. Damavand with its own perpetual blanket of white, out-Alping any peak on the Eurasian landmass west of the Hindu Kush — even venerable Mt. Blanc. Like Kilimanjaro, Kanchenjunga or Fujiyama, it is fine food for contemplation.

— although, in the Persian grand manner, the other sort of sustenance will scarcely be lacking! And we sincerely hope and trust that your experience with us will be to your taste!

It is true that the overall number of available theatre seats does not give a 100% accurate picture. In Nigeria, for example, more than ten times the spectators patronizing the nearly 120 theatres are reached by Federal and State Government mobile cinema-units. Naturally, the programmes differ, but in any case people are reached with national or international information, thus extending their field of knowledge and education.

Just as in African writing, the subject of African films is Africa and the Africans, facing the problems of the traditional and modern ways of life, at home and abroad. As most African cineastes have learned their skills abroad, it is not surprising that some of the first films deal with the situation of African emigrants, students and workers abroad. Long before independence, in 1952, Paulin Vieyra, the first African film-maker to get a diploma from IDHEC in Paris, founded the first African film group. Their one and only film **Afrique sur Seine** was only to be finished ten years later, but nevertheless it seems to be the first really African fiction film.

Identity is another theme of African cinema. It is less the difficulty of human contact between white and non-white than the awkward position of the African between two different cultures with very different values. This is the main topic of a number of films. After a long absence from home, the hero of **Et la Neige N'etait Plus** by Babacr Samb from Senegal,asks himself whether his stay in Europe did not spoil him for life in Africa. Torn and undecided, the African intellectual has been great difficulties in discovering his true identity.

The Money Order, the first full-length African film in colour, by Ousmane Sembene of Senegal, is an attack, like his short **Borom Sarret** — on the exploitation of illiterates, living the traditional ways. This exploitation is done by Africans who, having been to European schools, have come home corrupt and cynical.

Traditional reactions play a part in **Emitai,** by Ousmane Semben. This "master of African neo-realism" — always in skin-to-skin touch with the population of the simpler quarters of his home town, Dakar — has always given convincing insights into the lives and problems of his heroes, touching at the same time on social flaws like corruption, exploitation and ill-treatment of the underdog. But **Emitai** has quite different aims. It shows the resistance of villagers in the Casamance (in southern Senegal) against French orders to transmit their rice provisions during World War II. Quite clearly, Semben is on his way to decolonizing African history and is trying to awaken pride in Africa's own past. It is with this idea in mind that Semben has been planning for quite some time to make a film on Samory, the Guinean leader who gave the French invader a tough time during the early years of colonization.

Especially noteworthy in **Emitai** is the portrayal of women, who are seen as less submissive and more valiant than the men in facing hardships of life. Indeed, it is one of Semben's cherished ideas that African renovation will depend to a large extent on African women.

NEWS . . .

PROGRAMME OF EXCURSIONS AND OFFICIAL PARTIES

Tues. 27 Nov. 10 a.m.
Shahyad Monument and Museum, National Arts Museum

Wed. 28 Nov. 10 a.m.
Tehran Archaeological Museum, Handicrafts Centre

9.30 p.m. Dinner hosted by Ministry of Culture and Arts, Royal Tehran Hilton

Thu. 29 Nov. 10 a.m.
Golestan Palace, Ethnological Museum

Fri. 30 Nov. 10 a.m.
Shahyad Monument and Museum, National Arts Museum

Sat. 1 Dec. 10 a.m.
Tehran Archaeological Museum, Handicrafts Centre

9.30 p.m. Dinner hosted by Mayor of Tehran, Inter-Continental Hotel

Sun. 2 Dec.
Visit to historical sights of Isfahan, overnight

Mon. 3 Dec.
Return from Isfahan and Shiraz

9.30 p.m. Dinner hosted by Iran Air, Vanak Hotel

Tue. 4 Dec. 10 a.m.
Ja'fari Zurkhaneh, for display of ancient Persian gymnastics

Wed. 5 Dec. 10 a.m.
Golestan Palace, Ethnological Museum

9 p.m. Dinner hosted by Ministry of Information, Arya Sheraton Hotel

Thu. 6 Dec. 10 a.m.
Shahyad Monument and Museum, National Arts Museum

Thu. 6 Dec. 8 p.m.
Awards ceremony and dinner, Arya Sheraton hotel (special invitation)

1. For morning excursions, a coach will be ready to leave outside the Arya Sheraton and Inter-Continental hotels at 10 a.m. sharp.
2. Guests wishing to go on the overnight excursion to Isfahan and Shiraz must inform Intrafi travel agency in the lobby of the Arya Sheraton hotel by noon on Saturday, 1st December.
3. Dress for official parties is black tie or dark suit.



CINEMA IN AFRICA

Cinema in Africa is almost as old as the invention of cinema. In 1896, one of the first projectors of the "theatrograph," stolen from the London Alhambra Palace, found its way to South Africa, thus introducing the cinema to the African continent. Cinemas in South Africa are still called "bioscops," after the "Warwick bioscop" projectors widely used at the turn of the century. In West Africa, the first films were shown in 1905, in Dakar.

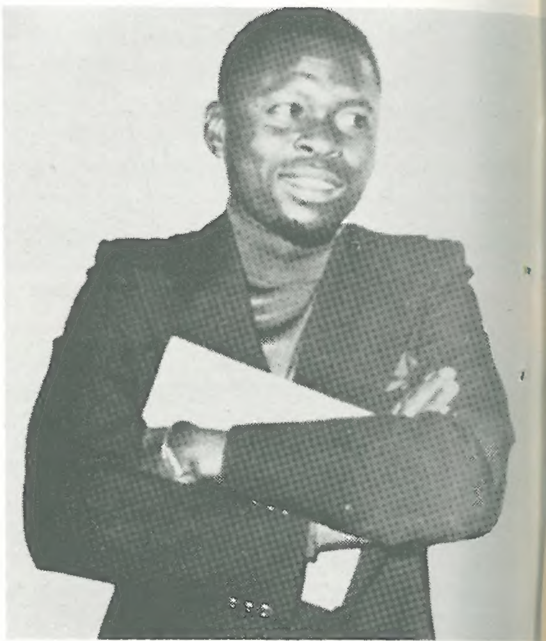
It was from this beginning that films were produced in Africa. Felix Mesguich from Algiers, one of the camera operators for the Lumière Brothers, made some remarkable films in 1905 such as **The Prayer of the Muezzin, The Street Babazoun** and **Discharging at the Port.** In 1913, Delagrane, owner of the Lagrane "cinema" in Alexandria, made a short called **In the Streets of Alexandria** in order to draw the public into his establishment; his colleague from the Club El Masri in Cairo showed a film in 1915 in which he smoked his pipe while receiving his clients.

But this good start with realistic documentaries was not followed up, neither by Africans nor by Europeans. In the opinion of Guy Hennebelle, one of the French authorities on African cinema, this was due to the impossibility for Europeans to give a realistic picture of conditions in Africa: that would have meant also showing the dark sides of colonialism.

Instead, for the next half century, and to this day, the African scene is used as an exotic backdrop for the valiant deeds of the white man, bringing civilization, peace and progress to the savage backlands. Whether it is the famous white explorer, the tradesman, administrator, officer, missionary or Tarzan, they all carry the White Man's Burden through the wild and dangerous African forest, fighting cannibals and heathens, witch-doctors, animals, diseases, ignorance, stupidity and backwardness. All the colonial clichés are assembled, just as in the colonial literature of the period. The African is always depicted as an inferior being; if he is not a strange unpredictable brute, he is an obedient, ever good-humored servant, a parallel to the Uncle Tom figure of American movies. It is the time of the 1931 Colonial Exhibition, of **Trader Horn** and of **Sanders of the River,** one of the first sound movies made in Africa, featuring Paul Robeson. This film, based on a novel by Edgar Wallace, was rather successful in Africa, in spite of its glorification of colonialism, possibly due to the fact that for the first time a black man was playing the leading role. But **Sanders of the River** was apparently not greeted with enthusiasm everywhere in Africa; according to Frank Aig - Imoukhuede, it was resented in Nigeria, where the story was set, and led to a campaign against Paul Robeson.

The reign of films of this type is by no means over, even if they have had to become more subtle. This change might be due to the growing number of documentary films during the later '30s, and particularly during '40s and '50s, that tried to trace the originality of African cultures.

"Africa is a cinematographic desert." This was 1961, a statement by George Sadoul, French historian of the cinema. He explained that, based upon UNESCO statistics from the period 1948-52, every European in British East Africa went to the cinema about forty times per annum, while the overall African population of the region had the opportunity to see a film every forty or fifty years — a period longer than their life-expectancy! Of course, things have changed a bit since then, but a glance at statistics will show that there are still only 11,200 cinema seats for almost 10 million Ugandans; 17,000 for over 10 million Kenyans; 25,000 for over 13 million Tanzanians. Still desert-like! And Africans love to see films, just as anyone anywhere in the world.





Above: Baba Kar Sanb (Senegal)
Below: Au pays de Tararani (Tunisie)

cinema 52

29 November 1973

SECOND TEHRAN INTERNATIONAL FILM FESTIVAL



MA CHAT WITH "SOHRAB SHAHID SALES" DIRECTOR OF "A SIMPLE EVENT"